ادامه از صفحه اول

آدرس اشتباه ندهیم

در چند دهه اخیر و در زیرمجموعه مدیریت وزارت‌های کشاورزی و جهاد سابق یا جهاد کشاورزی حال حاضر و در سایه اولویت تولید و امنیت غذایی، عرصه منابع طبیعی در انزوا و فراموشی نسبی قرار داشته است. با اندک توجهی به مطالبات ادوار مختلف نمایندگان مجلس، فضاهای رسانه‌ای و در نتیجه نگرش متمرکز مدیریت بخش کشاورزی، تمامی مؤلفه‌های فعالیت و توسعه درراستای ارائه و نمایش تولید قرار داشته است. موفق‌ترین مدیریت‌ها در منابع طبیعی تنها می‌توانستند و می‌توانند شرایط گذشته را پایدار و حراست کنند. در چنین راهبردی که اتفاقا نشانه موفقیت در ثبات حوزه‌اش است، قاعدتا مطلوب‌ترین نمودارها، افقی و نه به سمت بالاست.

اما در عرصه تولید می‌توان محصول شکر یا گندم و... را از سالی به سال دیگر افزایش داد. این افزایش و رسم نمودارهای رو به بالا، همواره مطالبه منابع نظارتی و مدیریتی کلان بوده که کمتر به نمودارهای افقی عنایت داشته‌اند. بنابراین بر صاحبان نظر و دانش این حوزه، از جمله اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط زیست ایران، پس از گذر از یک فرابحران در این مسیر انتظار می‌رود که در مواضع و هشدارهای مسئولانه خود بر ضرورت تصحیح راهبردها در مداری بالاتر از مدیریت‌ها پافشاری کنند. بسنده‌کردن به شرط‌های لازم معدود و توجه‌نکردن به شروط کافی راهبردی، فقط به آدرس‌های اشتباهی و پیامدهای تخریبی منجر خواهد شد؛ پیامدهایی که نسل آینده، در داوری آنها از چرایی انفعال این دانایان پرسش‌ها خواهند کرد.

بازسازی مناطق زلزله‌زده با مردم یا پیمانکار؟

در هند بازسازی مناطق بحران‌زده با برنامه تضمین اشتغال روستایی به هم پیوند زده شده و روستاییان برای ساخت خانه‌های کوچک و یک‌شکل اما مستحکم، به صورت موقت به کار گمارده می‌شوند. استفاده از ماشین‌آلات سنگین و ورود پیمانکاران به این پروژه‌ها ممنوع است. خانه‌سازی از طریق پیمانکاران بزرگ ممکن است به اجرای سریع‌تر برنامه منجر شود؛ اما در وضعیت اشتغال مردم استان کرمانشاه که از زمان جنگ تحمیلی همواره با بحران بی‌کاری دست‌به‌گریبان بوده‌اند، تأثیری نخواهد داشت.

هم‌گرایی با همه منهای عربستان

پس با اتمام منابع مالی این کشور که در جنگ یمن و پس از آن، صدمه‌ای جدی دیده است، این نفوذِ با تکیه بر دلار نیز کاهش خواهد یافت.

فراموش نکنیم در همین شرایط که حتی کشوری مانند اردن و سعودی‌ها در ظاهر امر ناگزیر از محکومیت تهدید بیت‌المقدس هستند، هیئت بحرینی به دستور پادشاه این کشور برای دیدار با برخی مقامات رژیم اسرائیل به تل‌آویو سفر کرده است.

بحرین به‌عنوان کشوری که به نوعی تحت اشغال سعودی‌هاست، بدون چراغ سبز حکام عربستانی یقینا در این مقطع حساس دست به چنین اقدامی نمی‌زند؛ اما درباره ترکیه و مصر، می‌توان به نوعی هم‌گرایی سه‌جانبه امیدوار بود. شیخ الازهر مواضع روشنی در قبال اقدام ترامپ داشته، با اسماعیل هنیه گفت‌وگو کرده و حاضر به دیدار با مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، نشده است. رابطه با مصر سال‌ها قبل، امکان برقراری داشت؛ اما برخی رفتارهای اشتباه در آنجا، علمای مصر را از حضور شیعیان نگران کرد و حتی باعث برخورد با حسینیه‌ای شد که در آنجا ساخته شده بود. از ساختن مساجد شیعیان در آنجا سخن گفته شد که نگارنده به‌صراحت گفتم بیش از هزار مسجد در قاهره وجود دارد و ما در کنار برادران اهل تسنن خود، در آن مساجد نماز می‌گزاریم. محبت مصریان به اهل بیت اگر بیشتر از ما نباشد، کمتر نیست و نباید برای صدور تشیع به آنجا رفت.

در جشن میلاد امام حسین، دو میلیون مصری به قاهره می‌آیند. اگر به صورت منطقی با تکیه بر عرف دیپلماتیک و اصل احترام متقابل به باورهای دینی و سیاسی برادران خود در مصر، باب گفت‌وگو و مفاهمه را بگشاییم، حتما می‌توان با آنان به تفاهم رسید. فراموش نکنیم السیسی اجازه نداد ارتش مصر وارد ائتلاف سعودی‌ها برای حمله به یمن شود و حالا که سرمایه‌گذاری عربستان در این کشور کاهش یافته، ایران می‌تواند به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات فنی و مهندسی پرداخته و در مسائل مهم جهان اسلام و عرب، با مصر ارتباط نزدیکی داشته باشد. درباره ترکیه نیز به نظر می‌رسد شرایط نسبت به گذشته پیشرفت چشمگیری داشته و نظر دولت دکتر روحانی نیز به توسعه هرچه بیشتر روابط با کشورهای اسلامی است.

*رئیس پیشین نمایندگی ایران در مصر

یادآوری خاطره‌ای از رئیس دولت‌های هفتم و هشتم درباره شیوه اداره منابع کشور

یزدی خسیس، سمنانی عزیز

برداشت از صندوق توسعه ملی ۱۵۲ درصد افزایش می‌یابد

محمد مساعد: برداشت از صندوق توسعه ملی نسبت به سال جاری افزایشی حداقل ۱۵۲ درصدی خواهد داشت. این حقیقت که در جدول بند «و» تبصره ۴ ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ عیان است، نگرانی‌ها درباره دچارشدن این صندوق به سرنوشت صندوق ذخیره ارزی را افزایش داده است. این هشداری است که در چند سال گذشته بارها و بارها از زبان مسئولان دولتی و کارشناسان اقتصادی تکرار شده و نشان می‌دهد اگر حساسیت عمومی نسبت به صندوق توسعه ملی به وجود نیاید، این صندوق نیز مانند حساب ذخیره ارزی، آن‌چنان که رئیس بانک مرکزی می‌گوید، به «یک تجربه تلخ» تبدیل شود. به یاد دارم در ابتدای آغاز به کار دولت روحانی همراه با جمعی از دانشجویان سراسر کشور دیداری با رئیس دولت اصلاحات داشتیم. خاتمی در آن جلسه که در فضایی محدود و البته خودمانی برگزار شد، با یادآوری تلخی‌های هشت سال مهرورزی دولت مهرورز گریزی نیز به سرنوشت حساب ذخیره ارزی زد و گفت: «در روزهای پایانی دولتم عده‌ای به تمسخر می‌گفتند این یزدی خسیس این همه پول را در حساب ذخیره کرده که چه بشود؟ بعد هم دیدیم که آقایان آمدند و چه کردند». اشاره ایشان در آن جلسه به سرنوشت بخش ذخیره‌شده درآمدهای نفتی، همان چیزی بود که کارشناسان اقتصادی نیز کمابیش قبل و بعد از آن تکرار کرده‌اند. صندوقی که به گفته احمد توکلی در دوران احمدی‌نژاد جارو شد و به گفته مسعود نیلی، مشاور اقتصادی روحانی، در آن دوران دیگر صندوق ذخیره ارزی نبود و به صندوق ذخیره نذری تبدیل شده بود؛ اما حالا پس از گذشت چهار سال از آن روزها به نظر می‌رسد بار دیگر دست‌بردن در صندوق توسعه ملی در حال تبدیل‌شدن به روالی عادی است که ممکن است به تجربه تلخ دیگری منجر شود. حال باید دید حسن روحانی نهایتا دراین‌بین روال آن یزدی خسیس را در پیش خواهد گرفت یا به سبک هم‌استانی سمنانی‌اش برای جبران کسری بودجه دولتش دست به جیب صندوق توسعه ملی خواهد برد.

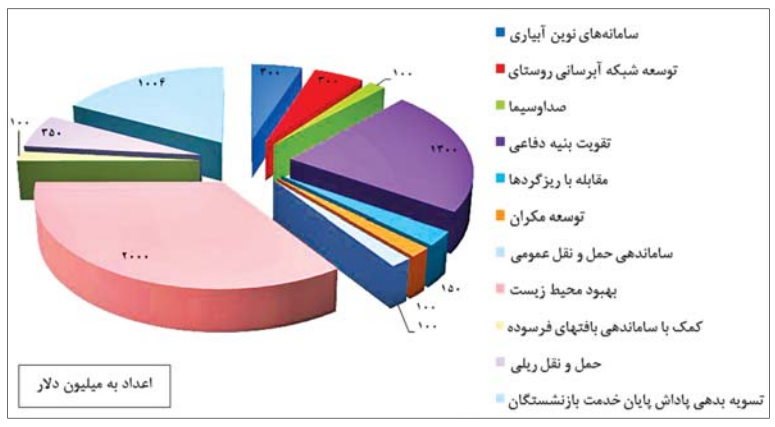

سرمایه صندوق صرف چه چیزی خواهد شد؟

نگاهی به جدول بند «و» تبصره ۴ ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور نشان می‌دهد دولت برداشت از صندوق توسعه ملی در سال آینده را به طور کلی فارغ از فلسفه وجودی صندوق توسعه ملی در نظر گرفته و از کمک مالی به صداوسیما مطابق سال گذشته تا پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان آموزش و پرورش را از طریق صندوق توسعه پرداخت خواهد کرد. جمع این مبلغ به صورت مستقیم بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان است و این در شرایطی است که براساس گزارش صندوق توسعه ملی همین امروز نیز تراز این صندوق منفی است. از سمت دیگر سیدناصر موسوی‌لارگانی، رئیس فراکسیون روحانیت و نماینده اصولگرای مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با فارس افزایش برداشت از صندوق توسعه ملی را اگرچه خلاف اساسنامه و قوانین می‌داند؛ اما با اجازه مجلس و مقام معظم رهبری ممکن می‌بیند؛ اما توجیه دولت برای هرکدام از این پرداخت‌ها چیست؟ نگاهی به جدول برداشت‌ها از صندوق توسعه ملی نشان می‌دهد اغلب موارد ذکرشده در این جدول طرح‌ها و برنامه‌هایی قابل‌احترام و ضروری‌اند؛ اما نکته اینجاست که اختصاص منابع از صندوق توسعه به این طرح‌ها اغلب خلاف فلسفه وجودی صندوق و اساسنامه آن است و به همین دلیل است که نه‌تنها محمدباقر نوبخت برای این برداشت‌ها خواستار «عنایت ویژه» مجلسیان است؛ بلکه خود مجلسیان نیز برای تصویب برخی از بندهای آن که در بودجه سال جاری نیز وجود داشت، به سراغ اجازه از دفتر رهبر انقلاب رفته بودند. طرح‌هایی مانند سامانه‌های نوین آبیاری و طرح‌های آب‌رسانی روستایی، اگرچه باعث اتفاقات مثبت بسیاری در سال‌های اخیر شده؛ اما عملا در دسته طرح‌های عمرانی قرار می‌گیرند، همان‌طور که توسعه حمل‌ونقل ریلی نیز چنین وضعیتی دارد. مقابله با ریزگردها، طرح توسعه سواحل مکران، ساماندهی حمل‌ونقل عمومی، بهبود محیط زیست و ساماندهی بافت‌های فرسوده نیز هرچند یک‌به‌یک طرح‌هایی حیاتی و نیازمند توجه جدی هستند؛ اما قرابتی با فلسفه وجودی صندوق توسعه ملی ندارند. دراین‌بین کمک به تسویه بدهی پاداش پایان خدمت بازنشستگان آموزش‌وپرورش از صندوق توسعه ملی در واقع نوعی جبران حذف ردیف بودجه پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان در بودجه سال جاری است که می‌توان آن را به حساب کیاست یا سیاست سازمان برنامه و بودجه گذاشت که ردیف بودجه‌ای را که باید از محل دیگری تأمین می‌کرده، می‌خواهد از صندوق توسعه تأمین کند. در کنار آن پرداخت از صندوق توسعه ملی به صداوسیما شاید گل سرسبد برداشت‌ها از صندوق توسعه ملی باشد که نیاز به توضیح اضافه‌ای ندارد.

تخطی از حکم قانونی

بایزید مردوخی
عضو سابق هیئت‌امنای حساب ذخیره ارزی

براساس ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه، حسابی به اسم ذخیره ارزی به وجود آمد تا ۵۰ درصد منابع ارزی حاصل از صادرات نفت در آن ذخیره شود. همچنین مقرر شد مدیریت این حساب از سوی سازمان برنامه و زیر نظر هیئت‌امنای خود حساب انجام شود. سپرده‌های حساب ذخیره ارزی نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌شد و از سودی که بانک مرکزی از سایر حساب‌های خود در بازارهای جهانی دریافت می‌کرد، باید به این حساب پرداخت می‌شد که رقمی حدود سه درصد بود. به موجب قانون برداشت از این حساب تنها برای کمک به تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در رشته‌های تولیدی امکان‌پذیر بود. این تشخیص نیز با بانک‌های عامل بود و فقط به بخش ارزی سرمایه‌گذاری‌ها تعلق می‌گرفت؛ بنابراین به هیچ‌صورتی قابلیت تبدیل به ریال نداشت. معنای این تصمیم این بود که فقط باید برای تشکیل سرمایه پرداخت می‌شد، نه سرمایه در گردش.

در برنامه چهارم در ماده یک قانون برنامه چهارم توسعه همان ماده ۶۰ تکرار شد و به همان شیوه مدیریت می‌شد. در اواخر برنامه چهارم پیشنهاد شد فعالیت حساب ذخیره ارزی متوقف شود و فقط نامی از آن باقی بماند و به‌جای آن صندوق توسعه ملی ایجاد شود. منتها قرار شد بازپرداخت تسهیلاتی که در طول برنامه‌های قبل به‌صورت ارزی به بخش خصوصی داده شده بود، باز هم به‌صورت ارزی به حساب ذخیره انجام شود.

صندوق توسعه ملی به‌عنوان جایگزین حساب ذخیره، در سایر کشورها با عنوان صندوق سرمایه ملی شناخته می‌شود و هدف این صندوق‌ها نیز آینده‌سازی برای نسل‌های بعدی کشورهاست. صندوق ثروت ملی یا همان صندوق توسعه ملی ما باید از محل فروش منابع طبیعی -که برای کشور ما نفت و گاز است- تأمین ذخایر شده و صرف ایجاد اشتغال و افزایش تولید شود.

قانون را که نگاه می‌کنیم، به چند ممنوعیت مشخص برمی‌خوریم که در قوانین و آیین‌نامه‌ها تکرار شده است. نخست، تبدیل ارز به ریال از صندوق ممنوع است. دوم برداشت از این منابع برای کارهای عمرانی و جاری دولت ممنوع است و سوم پرداخت تسهیلات جهت تأمین سرمایه در گردش بخش خصوصی ممنوع است. این سه ممنوعیت متأسفانه در برنامه‌های توسعه چهارم، پنجم و ششم رعایت نشده و از قانون تخطی صورت گرفته است. هر سال با این توجیه که ضرورت وجود دارد و دولت برای این ضرورت‌ها کمبود منابع دارد؛ برداشت صورت می‌گرفت و بالاخره متأسفانه در اکثر بندهای برنامه ششم توسعه، صندوق توسعه به‌عنوان یک بخش از منابع تأمین دیده شده است. این نوعی جداشدن از ماهیت اصلی است؛ به‌طوری که می‌توان به عنوان خزانه دوم از آن یاد کرد.

شورای پول و اعتبار مصوب کرد

تشکیل شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات مدیران بانکی

شرق: پرونده تخلفات غیرمجازها آن‌قدر سنگین و پیچیده شد که شورای پول و اعتبار در جدیدترین جلسه خود تصمیم گرفت با پیشنهاد دادستان کل کشور، شعبه ویژه‌ای را در یکی از دادسراهای تهران تشکیل دهد تا به تخلفات مدیران و سهام‌داران نهادهای پولی غیرمجاز با درخواست بانک مرکزی رسیدگی شود. کلاف سردرگم مؤسسات غیرمجاز در سال‌های اخیر به‌قدری پیچیده شد که تلاش‌های بانک مرکزی هم افاقه نکرد و در نهایت سه قوه تصمیم گرفتند برای حل این مشکل، تصمیم بگیرند؛ مشکلی که ریشه در دولت‌های قبلی دارد و تبدیل به چالشی بزرگ برای سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری شد که قارچ‌گونه در کشور رشد کردند و امروز وضعیت ناگواری را ایجاد کرده‌اند. با وجود این، هرچند قرار است دارایی‌هایی که در این تعاونی‌ها از محل منابع سپرده‌گذاران تهیه شده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته، پیگیری شود؛ اما قرار شده شعبه‌ای تشکیل و به تخلفات مدیران و سهام‌داران غیرمجازها رسیدگی بیشتری شود.

تسریع در پرونده متخلفان

ابراهیم درویشی، معاون اسبق بانک مرکزی، درباره تشکیل شعبه ویژه برای رسیدگی به تخلفات مدیران و سهام‌داران مؤسسات غیرمجاز به «شرق» گفت: برای اینکه پرونده‌ای مراحل دادرسی را طی کند، زمان زیادی لازم است؛ اما با تشکیل شعبه و دفتری مخصوص این کار، هم مراحل کوتاه می‌شود و هم سرعت کار افزایش می‌یابد.

او با بیان اینکه تعداد پرونده تخلفات مؤسسات غیرمجاز زیاد نیست، تأکید کرد: اکنون شش مؤسسه غیرمجاز داریم که نیاز به رسیدگی دارند. اگر این تعداد مؤسسه غیرمجاز با مصوبات شورای پول و اعتبار به چنین شعبه‌ای منتقل شوند، کارها با سرعت بیشتری انجام خواهد شد. درویشی با تأکید بر اینکه قطعا تشکیل چنین شعبه‌ای می‌تواند تأثیرگذار باشد، اضافه کرد: درحال‌حاضر قاضی عمومی باید درباره جزئیات تخلفات از بانک مرکزی و اهل فن استعلام کند؛ اما با تشکیل شعبه‌ای ویژه، همه موارد مهیاست و پرونده‌ها به‌سرعت رسیدگی می‌شود.

ضرورت تشکیل شعبه ویژه تخلفات

بهاءالدین حسینی‌هاشمی، کارشناس بانکی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه تشکیل این شعبه دیرهنگام ولی لازم است، گفت: این شعبه خیلی زودتر باید تشکیل می‌شد. او اضافه کرد: چنین شعبه‌ای باید زودتر تشکیل می‌شد تا به جرایم خاص که وسعت بیشتری دارد و افراد زیادی را در منطقه جغرافیایی درگیر می‌کند، خالی از نوبت و فوریت رسیدگی کند.

حسینی‌هاشمی با تأکید بر اینکه رسیدگی به تخلفات مؤسسات غیرمجاز نیازمند واحد خاصی است، گفت: تشکیل چنین شعبه‌هایی ضرورت دارد و باید باشد. همان‌طور که گفته شد، زمان تشکیل این شعبه دیر است؛ اما بهتر از این است که هرگز انجام نشود. او این توضیح را هم داد: قوه قضائیه اگر امکانات و نیروها و قضات خوبی را برای این شعبه در نظر بگیرد و این ظرفیت را داشته باشد، اقدام خوبی خواهد بود. این کارشناس بانکی با تأکید بر اینکه این شعبه‌ها بیشتر در تهران و مراکز استان‌ها خواهد بود، اضافه کرد: این شعبه باید به استیفای حقوق مال‌باختگان و سپرده‌گذاران رسیدگی کند؛ چون دولت کمک‌هایی کرده؛ اما پول‌هایی که از مردم به‌عنوان سپرده گرفته شده، باید بازگردانده شود و این نیازمند رسیدگی فوری است.

او با بیان اینکه تشکیل این شعبه الزامی است، گفت: اکنون مؤسسات پولی و مالی در کشور به چالش بزرگی تبدیل شده‌اند؛ چراکه غیرمجاز بوده و سپرده‌های مردم را گرفته‌اند و حالا دولت و بانک مرکزی باید آنها را ساماندهی کنند. این در حالی است که این مؤسسات درون بانک‌های سالمی که خوب کار می‌کنند، برده شده و آنها را دچار مشکل کرده‌اند. از طرف دیگر، بانک مرکزی و دولت منابعی ندارند که پول سپرده‌گذاران را بدهند؛ بنابراین همان‌هایی که تخلف کردند و سپرده‌های مردم را به نفع خود بردند، باید آن را برگردانند. حسینی‌هاشمی با تأکید بر اینکه حتی واحدهای مجاز هم نیاز به تشکیل چنین شعبه‌ای دارند، اضافه کرد: رسیدگی به چنین تخلفاتی تخصص می‌خواهد و نیازمند دانش بانکی، اقتصادی و مالی است؛ بنابراین اگر شعبه خاصی تشکیل شود که فقط این جرایم را رسیدگی کند، می‌تواند مؤثر واقع شود؛ چرا که ۷۰ تا ۸۰ درصد مشکلات این واحدها مشابه هم است. او این را هم اضافه کرده که تشکیل این شعبه در میان‌مدت خوب است؛ اما ممکن است در کوتاه‌مدت مؤثر نباشد؛ چون تا این شعبه تشکیل و نیروها در آن مستقر شوند و به جرایم آگاهی پیدا کنند مقداری طول می‌کشد؛ اما تخصصی‌شدن آن کمک می‌کند و بازدارنده است. ضمن اینکه به تخلفات مدیران و سهام‌داران غیرمجازها به‌سرعت رسیدگی می‌شود؛ اما اگر این پرونده‌ها در محاکم عمومی و قضائی برود، سه تا چهار سال طول خواهد کشید و اصل مطلب از بین می‌رود.

او همچنین در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر تشکیل‌نشدن چنین شعبه‌هایی، می‌گوید: از من نباید بپرسید؛ اما من سؤال مهم‌تری دارم؛ چرا اصلا مؤسسات غیرمجاز و غیرحرفه‌ای تشکیل شده که باید برای آن شعبه‌ای ویژه تشکیل شود.

با این تفاسیر، باید منتظر ماند و دید این شعبه ویژه چه زمانی تشکیل خواهد شد و چقدر به تخلفات مدیران و سهام‌داران مؤسسات غیرمجاز رسیدگی خواهد کرد؟

سابقه خیانت توتال به ایران

یک کارشناس حقوق نفت گفت: منتقدان IPC با کسی پدرکشتگی ندارند. منتقد و موافق، همگی دوست دارند قرارداد امضا شود، جوان‌ها سر کار بروند و دانشگاه صنعت نفت از این وضعیت بیرون بیاید. به گزارش مهر، هاتف ستاری، کارشناس ارشد حقوق نفت، درباره بازنگری در قراردادهای آی‌پی‌سی و تأثیر این مشکلات بر قرارداد توسعه بخش فراساحل فاز ۱۱ پارس جنوبی که با شرکت فرانسوی توتال منعقد شد، گفت: این قرارداد ایرادهایی دارد که خلاف قوانین است و این لازم‌الاجرابودن قرارداد را زیر سؤال می‌برد. شما الان قرارداد امضا می‌کنید، ممکن است دولت دیگری روی کار بیاید و بگوید این مدل قراردادها غیرقانونی است و آن را لغو کند! در این صورت چه کسی باید تاوان و خسارت آن را بدهد؟ بیت‌المال باید خسارت آن را بدهد.

او با اشاره به اینکه بند «ت» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت می‌گوید وزارت نفت می‌تواند سرمایه‌گذار جذب کند، پیمانکار داخلی یا خارجی بگیرد، با سرمایه‌گذار مشارکت کند، توضیح داد: وزارت نفت یا باید جرئت به خرج بدهد و به این ماده استناد کند و بگوید وقتی این ماده به من اجازه مشارکت در تولید را می‌دهد، پس به طریق اولی اجازه عقد قرارداد در قالب آی‌پی‌سی را هم می‌دهد و بعد نباید بگوید مالکیت صددرصد در میدان برای من است.

ستاری عنوان کرد: سرمایه‌گذار با توجه به وضعیت سیاسی ایران نمی‌آید قرارداد بلندمدت ببندد، این را همیشه در ذهنتان داشته باشید، قرارداد بلندمدت نیازمند حرکت دوشادوش پیمانکار و کارفرما و ثبات است. نیازمند جدایی سیاست از اقتصاد است. تا زمانی که نگاه سیاسی حاکم باشد سرمایه‌گذار خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری آن‌هم به‌صورت بلندمدت نیست.

او اضافه کرد: ماهرخ‌زاد، مدیر کل حقوقی وزارت نفت، انتقاد واردشده به چینش و قوانین حاکم بر کمیته نظارت مشترک (جی‌ام‌سی) را قبول دارد. این در حالی است که در قانون اساسی اصولی داریم که اجازه واگذاری صنایع مادر را که نفت و گاز هم شامل آن می‌شود نمی دهد. حتی اجازه واگذاری امتیاز بهره‌برداری از این منابع را به خارجی‌ها هم نمی‌دهد. پس استفاده از مدل قراردادهای امتیازی منتفی شد. در مدل قراردادهای مشارکت در تولید نیز قانون اجازه برون‌سپاری امتیاز بهره‌برداری از میادین و شراکت در منبع را نمی‌دهد. فقط یک مدل قرارداد خدمات باقی می‌ماند که در این مدل هم باید بهره‌برداری در اختیار جمهوری اسلامی ایران باشد.

او با بیان اینکه بحث ما این بود که چرا توتال؟ خاطرنشان کرد: مقاله‌ای که من نوشتم بیشتر بحثم روی فاز ۲ و ۳ بود، همه لایه‌های پارس جنوبی مشترک است، چون بحث‌هایی پیش آمد که توتال از میدان مستقل گاز تولید می‌کند، می‌گفتند فاز ۲ و ۳ در قسمت مستقل ایران است و در قسمت مشترک با قطر نیست، این تخم لق سیاسی را چه کسی گذاشت؟

ستاری تأکید کرد: آقای ابراهیمی‌اصل، به‌عنوان یکی از افراد درگیر با قراردادهای جدید نفتی مطرح کرد که فاز ۲ و ۳ مستقل است، توتال هم سر ما کلاه گذاشته که این بخش را برای حفاری و بهره‌برداری انتخاب کرده است. وی بخشی از اطلاعات را می‌دانست و بخشی دیگر را صحیح استدلال نکرد و ای کاش به‌طورکلی مطرح نمی‌کرد، زیرا واقعا این‌طور نیست، پارس جنوبی ۴ لایه دارد 7K تا 4K همه اینها مشترک‌اند. اصل این است که در میادین مشترک شما باید حفاری خودتان را نزدیک مرز انجام بدهید.

نگاه

میانبر دولت برای افزایش قیمت سوخت

بهرام فارسیجانی . کارشناس انرژی

● موضوع قیمت سوخت همواره در صدر توجهات مردم و فعالان اقتصادی قرار دارد. در روزهای گذشته که لایحه بودجه به مجلس تقدیم شده است، گمانه‌زنی‌های متعددی در راستای تغییر افزایشی قیمت سوخت (اختصاصا بنزین و گازوییل) منتشر شده است. عمده گمانه‌ها حاکی از افزایش قیمت بنزین و گازوییل است. این در حالی است که رئیس سازمان برنامه و بودجه به‌طور رسمی این موارد را تأیید نکرده است. دراین‌باره ذکر چند نکته لازم است. ابتدا اینکه هرچند به دلیل ثابت‌ماندن قیمت سوخت در سال‌های گذشته، عملا رشد مصرف شکل صعودی به خود گرفته است؛ اما با تغییر قیمت تا حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد نیز تغییر چندانی در میزان مصرف پدید نخواهد آمد.

دیگر آنکه به‌طورکلی قیمت‌گذاری سوخت در کشور برعهده شورای اقتصاد است. هدف شورای اقتصاد، هدایت و هماهنگ‌کردن امور اقتصادی کشور از طریق تعیین خط‌مشی تنظیم بودجه کل کشور و همچنین بررسی بودجه کل کشور برای طرح در هیئت وزیران است. از این تعریف می‌توان به نوعی نتیجه گرفت که راهبردهای شورای اقتصاد می‌تواند تأثیر مشخصی روی سند بودجه داشته باشد.

در تبصره ۱۸ لایحه بودجه ۱۳۹۷ کل کشور به دولت اجازه داده شده که تمامی منابع حاصله از مابه‌التفاوت قیمت حامل‌های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به قیمت این حامل‌ها در ابتدای سال ۱۳۹۶ اعم از عوارض و مالیات موضوع قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و همچنین سهم شرکت ملی نفت ایران را به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و منابع حاصله را تا سقف ۱۷هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان به شکل وجوه اداره‌شده و یارانه سود و ترکیب با منابع صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی را در جهت حمایت از برخی طرح‌ها پرداخت کند. این در حالی است که در قانون بودجه ۱۳۹۶ نیز دولت مجاز بود در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال مذکور (یعنی سال جاری) از محل درآمدهای حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور تا مبلغ ۴۸ هزار میلیارد تومان با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی نسبت به حمایت از خانوارهای هدف و نیازمند اقدام کند و جدول مشخصی برای مصارف مذکور تعیین شده که اولین ردیف آن «پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی خانوارها» بود، اما در موارد مصارف منابع تبصره ۱۸ لایحه بودجه، هیچ اسمی از یارانه‌های نقدی ذکر نشده است.

از سوی دیگر ضروری است که از حیث تحقق منابع درآمدی، عملا «خالص» درآمد فروش بنزین و گازوییل به‌عنوان اصلی‌ترین منابع پرداخت تعهدات یارانه‌ای تلقی شوند. بعد از کسر هزینه‌های مترتب شرکت‌های درون زنجیره تولید، انتقال و توزیع فراورده‌های نفتی، می‌توان توان بالقوه تأمین نیاز خزانه کشور را درک کرد.

این موضوع نشان می‌دهد که دولت در ساختار بودجه خود این بار نیز از فقدان برآورد دقیق منابع و مصارف رنج می‌برد. چراکه از آخرین تعدیل قیمت بنزین و در سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۶ هرگز بخش عمده‌ای از هزینه‌های مربوطه ثابت نبوده و در بهترین حالت چیزی معادل نرخ تورم رسمی کشور افزایش داشته است. از این جمله می‌توان به هزینه‌های انتقال، توزیع، فروش حامل‌های انرژی و پرداخت‌هایی مثل علی‌الحساب مالیاتی و سود سهم دولت شرکت‌های عمدتا دولتی تولیدکننده و توزیع‌کننده این حامل‌ها اشاره کرد. به همین دلیل است که احتمالا افزایش قیمت بنزین از طریق سازوکاری جداگانه و از کانال شورای اقتصاد به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

به هر تقدیر، بودجه یک سند معطوف به آینده است. به همین دلیل درآمدها و هزینه‌ها در سند بودجه «برآورد» می‌شود که این برآورد می‌تواند در دوره مالی « افزایش» یا «کاهش» پیدا کند.

همچنین قسمت زیادی از برنامه‌های دولت، در بازه زمانی فراتر از «یک سال مالی» تدوین و اجرا می‌شود. یعنی چنین نیست که همواره بتوان از یک «سند یک‌ساله» برای پیشبرد اهداف و برنامه‌ها کمک گرفت و در نهایت اینکه به غیر از سند بودجه، اسناد بالادستی دیگری نیز وجود دارد که در واقع به مثابه نقشه راه و ناظر بر اهداف «میان‌مدت» و «بلندمدت» کشور است.

به‌طور مشخص دولت باید در اجرای قانون هدفمندی، هرگونه مماشات را کنار بگذارد. طبق این قانون، قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل‌ونقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) نباید کمتر از ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج‌فارس باشد. در این صورت قیمت گازوییل نیز چیزی در اندازه محدوده قیمتی بنزین خواهد بود.